

## ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده و جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود

محمد مهدی واحدی لنگرودی  
استادیار دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

در این مقاله ترتیب اصلی کلمات (Basic Word Order) در گویش گیلکی لنگرود مورد بررسی قرار گرفته است. نشان داده‌ایم که ترتیب اصلی کلمات در این گویش SOV است. آنگاه به شناسایی و رابطه جفت‌های همبستگی در این گویش با ترتیب اصلی کلمات SOV پرداخته‌ایم و در تمام موارد، همبستگی‌های بین آنها را با ارایه مثال بررسی کرده‌ایم. این مطالعه نشان می‌دهد که از مجموعه چهارده مورد جفت همبستگی معتبر و قابل بررسی در این گویش، نه مورد با ترتیب اصلی کلمات در این گویش، یعنی SOV، همبستگی دارد و در پنج مورد، با ترتیب SVO همبستگی وجود دارد. این گونه مطالعات در رده‌شناسی زبان‌ها، بررسی تغییرات زبانی و جهت این تغییرات اهمیت زیادی دارد. این گونه مطالعه رده‌شناسی زبان با بررسی‌های کاربردشناسی زبان و جمع‌بندی اطلاعات کهنه و نو و نیز تعیین مبتدا (Topic) و خبر (Focus) در زبان‌ها نیز وابستگی نزدیک دارد.

### واژه‌های کلیدی

ترتیب اصلی کلمات، همبسته فعلی، همبسته مفعول، جفت همبستگی، تمایلات جهانی

### مقدمه

پارامتری که در رده‌شناسی<sup>۱</sup> زبان‌ها بسیار مورد استفاده قرار گرفته است، پارامتر ترتیب اصلی کلمات در سطح جملات ساده زبان و ارتباط آن با ترتیب سازه‌ها در سطح گروه، بند

و جمله است. این پارامتر در مطالعات رده‌شناسی و نیز در بررسی تمایزات بین جهانی‌های مطلق<sup>۱</sup>، یعنی جهانی‌های زبانی بدون استثناء، و جهانی‌های نشانگر نوعی تمایل عام زبانی<sup>۲</sup>، که استثنا پذیرند نیز به کار می‌رود. ترتیب سازه‌های اصلی، یا کلمات جمله، یکی از مهمترین پارامترهای رده‌شناسی ترتیب کلمات<sup>۳</sup> است که بیانگر تمایلات جهانی در ساختار زبان‌هاست و نوعی جهانی آماری<sup>۴</sup> محسوب می‌شود. رده‌شناسی ترتیب کلمات اصلی در زبان‌های دنیا، نقش بسیار مهمی در رده‌شناسی زبان‌ها در سال‌های اخیر داشته است. برخی زبان‌شناسان همانند کامری (۸۶: ۱۹۸۹) اصطلاح «رده‌شناسی ترتیب سازه‌های اصلی<sup>۵</sup>» را به جای «رده‌شناسی ترتیب اصلی کلمات» به کار می‌برند، زیرا در این نوع رده‌شناسی نه تنها به ترتیب سازه‌های بزرگتر از یک کلمه/واژه همانند بند موصولی نسبت به سازه‌ها/ کلمات دیگر اشاره می‌شود، بلکه به ترتیب سازه‌های کوچکتر از کلمه همانند وندها<sup>۶</sup> نسبت به ستاک‌ها هم اشاره می‌شود.

پارامتر رده‌شناسی ترتیب اصلی کلمات، ترتیب نسبی فاعل (S)، مفعول (O) و فعل (V) را نسبت به یکدیگر مطالعه می‌کند که دارای شش ترتیب منطقی، SOV, SVO, VSO, VOS, OVS, OSV است. چون در بسیاری از مطالعات رده‌شناسی زبان، توزیع و جایگاه فاعل (S) در رابطه با دو سازه دیگر، از اهمیت نظری و تجربی بسیار کمی برخوردار است، بررسی ترتیب کلمات اصلی عملاً به بررسی ترتیب مفعول صریح (O) و فعل (V) نسبت به یکدیگر در زمینه جملات ساده، جملات مرکب و وابسته خلاصه می‌شود که به دو ترتیب اصلی ممکن OV و VO منجر می‌گردد (نک کامری ۱۹۸۹ و لهما ۱۹۷۸). از زمان گرین‌برگ (۱۹۶۳) تاکنون، ترتیب برخی سازه‌ها و عناصر دستوری در سطح گروه، بند و جمله را نسبت به یکدیگر، در ارتباط با یکی از دو ترتیب بین دو عنصر اصلی جمله، یعنی بین فعل و مفعول صریح، OV یا VO، می‌دانند.

1- Absolute Universals

2- Universal Tendencies

3 - Basic Word Order

4- Statistical Universal

5- Basic Constituents Order Typology

6- affixes

برای مثال، گرین برگ (۱۹۶۳) ادعا می‌کند زبان‌هایی که دارای ترتیب اصلی مفعول صریح (۱) + فعل (۲) هستند - یعنی زبان‌هایی که در جملات بی‌نشان آن، مفعول صریح قبل از فعل قرار می‌گیرد (بعد از این OV) - همچنین دارای حرف اضافه پسینی‌اند<sup>۱</sup>، یعنی حرف اضافه در آن‌ها بعد از اسم قرار می‌گیرد (NP). و نیز در این رده زبان‌ها جمله موصولی قبل از اسم مرجع قرار می‌گیرد (RelN). در حالی که در زبان‌های دارای ترتیب اصلی فعل (۱) + مفعول صریح (۲) - یعنی زبان‌هایی که در جملات بی‌نشان آنها، مفعول صریح بعد از فعل قرار می‌گیرد (بعد از این OV) - حرف اضافه پیشین دارند<sup>۲</sup> یعنی (PN) و در آن جمله موصولی بعد از اسم مرجع قرار می‌گیرد (NRel).

برای مثال کامری (۹۵: ۱۹۸۹) به دو رشته تمایلات جهانی زیر در زبان‌های دنیا، اشاره می‌کند:

1a - VO, Pr, NG, NA

1b - OV, Po, GN, AN

مطالعات رده‌شناسی زبان‌شناسان درباره‌ی ترتیب سازه‌های اصلی جمله نشان داده است که همبستگی‌های معنادار آماری (یا تمایلات جهانی) بین جفت‌های متفاوت ترتیب سازه‌های گروه، بند و جمله وجود دارد.

این نوع ترتیب سازه‌ها در سطح گروه، بند و جمله نسبت به یکدیگر و رابطه‌ی این ترتیب با یکی از دو ترتیب اصلی کلمات، یعنی، OV و VO، را همبستگی و یا جفت‌های همبستگی<sup>۳</sup> می‌نامند. به عبارت دیگر، مطالعات رده‌شناسی ترتیب سازه‌ها در زبان‌های دنیا نشان داده است که رابطه‌ای نسبی و معنادار بین ترتیب سازه‌ها در سطح گروه، بند و جمله نسبت به یکدیگر و نسب به ترتیب سازه‌های اصلی جمله، یعنی VO، OV، وجود دارد که بدان جفت‌های همبستگی نام نهاده‌اند. همبستگی معنادار بین عناصر و سازه‌های دستوری در سطح گروه، بند و جمله و ترتیب کلمات اصلی، بیانگر نوعی تمایل جهانی<sup>۴</sup> و یا جهانی‌های ضمنی - تلویحی<sup>۵</sup> است.

---

1- adposition

2- Preposition

3- Correlation Pairs

4- Universal tendency

5- implicational universals

بطور خلاصه، ارتباط و همبستگی بین پارامترهای متفاوت ترتیب سازه‌ها و کلمات یکی از موضوعات اصلی در رده‌شناسی زبان‌هاست. این مقاله سعی دارد تا همبستگی‌های قابل توجه آماری بین پارامترهای متفاوت ترتیب کلمات در گویش گیلکی لنگرود را بررسی نموده، جفت‌های همبستگی در این گویش را مطالعه نماید و نشان دهد که آیا این همبستگی‌ها مطابق با جهانی‌های آماری در زبان‌های دیگر می‌باشد یا خیر.

در این مقاله جفت‌های همبستگی این گویش را شناخته و در می‌یابیم که سازه‌ها با کدامیک از دو ترتیب اصلی VO، OV تمایل و همبستگی بیشتری دارند. سؤال اصلی تحقیق ما این است که: ترتیب کدام جفت‌های عناصر دستوری، جفت همبستگی می‌سازد و این جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی با کدام دو ترتیب اصلی کلمات VO و یا OV همبستگی دارند؟

### ترتیب کلمات اصلی<sup>۱</sup>

گویش گیلکی لنگرود، یکی از گویش‌های منطقه شرق استان گیلان و متعلق به شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی بوده و به گویش بیه پیش<sup>۲</sup>، نیز معروف است.

در دو جمله زیر، ترتیب کلمات اصلی در جمله (۲a) از ترتیب کلمات در جمله (۲b) بی‌نشان‌دارتر است، بطوریکه جمله (۲b) همچنین می‌تواند نشان دهنده تأکید بر عمل «دیدن» باشد، در حالی که مفهوم تأکید بر هیچ یک از دو سازه اصلی «دیدن» و «حسن» در جمله (۲a) احساس نمی‌شود.

۲a - (mu)	hasan - $\hat{o}$	bi - dem	
من	حسن	دیدم	«من حسن را دیدم»
۲b - (mu)	bi - d $\hat{o}$ m	hasan - $\hat{o}$	
من	دیدم	حسن	«من دیدم حسن را»

همین تمایز بین جملات (۳) زیر نیز احساس می‌شود:

۳a - (mu)	kitâb	bi - hem	
من	کتاب	خریدم	«من کتاب خریدم»

ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده ... ۱۵۵

۳b - (mu)      ki tâb - ð      bi - hem

من                      کتاب                      خریدم                      «من کتاب را خریدم»

۳C - (mu)      bi - hem      ki tâb

۳d - (mu)      bi - hem      kitab - ð

جملات (۳a) و (۳b) نیز، همانند جملات (۲)، نمایانگر ترتیب اصلی کلمات SOV در این گویش‌اند، با این تفاوت که در جمله (۳a) مفعول صریح، نکره<sup>۱</sup>، و یا نامشخص<sup>۲</sup>، است و مرجع<sup>۳</sup> از پیش فرض شده ندارد، در حالیکه مفعول صریح، «کتاب را»، در جمله (۳b) معرفه<sup>۴</sup>، و یا مشخص<sup>۵</sup> است و دارای مرجع قبلی از پیش فرض شده<sup>۶</sup> است و برای گوینده و شنونده شناخته شده است. جملات (۳c-d) بیانگر آنند که فعل قبل از مفعول نکره قرار نمی‌گیرد، ولی قبل از مفعول معرفه قرار می‌گیرد، که در این صورت، نشانه تأکید بر عمل فعل و نشان‌دار بودن ترتیب فعل و مفعول، VO، است.

در جملاتی که هم دارای مفعول صریح و هم مفعول غیر صریح (IO) اند، باز هم به نظر می‌رسد که مفعول صریح بلافاصله قبل از فعل و بعد از مفعول غیر صریح جمله قرار می‌گیرد، اگر مفعول صریح چنانچه نکره باشد، بی‌درنگ پیش از فعل و پس از مفعول غیر صریح قرار می‌گیرد. اگر مفعول صریح معرفه و یا مشخص باشد، در این صورت با حرف پسوندی /-ð/ همراه است، و در جملات و ترتیب بی‌نشان بعد از فاعل و قبل از مفعول غیر صریح قرار می‌گیرد و مفعول غیر صریح حرف اضافه‌ای تمایل بیشتری به قرار گرفتن بلافاصله قبل از فعل دارد (۵).

۴a - S                      IO      O      V  
۴b - mu                      hasan - ð                      bð      piran      bi - hem

حسن من                      برای                      پیراهن                      خریدم

«من برای حسن پیراهن خریدم.»

۵a -                      S                      O                      IO                      V

- 
- 1- indefinite
  - 2- Non specific
  - 3- referent
  - 4- definite
  - 5- specific
  - 6- presupposed

۵b - mu piran -  $\partial$  hasan -  $\partial$  b $\partial$  bi - hem  
 من پیراهن را حسن برای خریدم

به نظر می‌رسد که این ترتیب، بسیار شبیه به ترتیب سازه‌های اصلی در زبان فارسی باشد (نک کریمی 2000). حال به جابه‌جایی / بهم ریزی<sup>۱</sup> سازه‌های ۴-۵ که در (۴c-d) و (۵c-d) آمده است توجه کنید:

۴c - c - ??? / \* mu hasan -  $\partial$  b $\partial$  bi - hem piran  
 ۴d - mu piran hasan -  $\partial$  b $\partial$  bi - hem

در جملهٔ (۴c) مفعول صریح نکره بعد از فعل قرار گرفته و جمله غیر قابل قبول و یا غیر دستوری است، چنانکه از علامت‌های \* و ??? می‌توان فهمید. در جمله (۴d) مفعول صریح نکره قبل از مفعول صریح (IO) قرار دارد و نشان دهندهٔ نقش مقابله‌ای<sup>۲</sup> بین pirhan «پیراهن» و اشیاء / اجناس دیگر قابل خرید است. به نظر می‌رسد که pirhan دارای تکیه<sup>۳</sup> بیشتری نسبت به سازه‌های دیگر جمله در (۴d) است. بدون تکیه اضافی و بدون تعبیر معنایی، نقش مقابله‌ای جمله (۴d) نیز غیر قابل قبول است. در هر حال ترتیب سازه‌ها در جملهٔ (۴d) نشان‌دار است.

۵c - (mu) hasan -  $\partial$  b $\partial$  bi - hem piran -  $\partial$   
 ۵d - (mu) hasan -  $\partial$  b $\partial$  piran -  $\partial$  bi - hem

در جملهٔ (۵c) مفعول صریح معرفه / مشخص، یعنی  $\partial$  - piran «پیراهن را»، بعد از فعل قرار دارد که این جمله بر خلاف (۴c) کاملاً قابل قبول و دستوری است. در این جمله تأکید بر فعل bi - hem «خریدم» است و نوعی نقش مقابله‌ای با «اعمال و افعال» دیگر احساس می‌شود. در جملهٔ (۵d) نیز نوعی جابجایی سازه‌ها روی داده است، به گونه‌ای که مفعول غیر صریح (IO) از جایگاه اول / پیشین خود در (۵b) جابجا شده و قبل از مفعول صریح معرفه / مشخص قرار گرفته است. با شَم زبانی / گویشی این نگارنده، جملهٔ (۵b) از نظر آهنگ و تعبیر معنایی بی‌نشان‌تر از جملهٔ (۵d) است. جملهٔ (۵b) دربارهٔ

1- Scrambling  
 2- Contrastive function.  
 3- stress

«پیراهن» خاصی صحبت می‌کند که برای «حسن» خریده‌ام، ولی جمله (۵d) درباره «حسن» صحبت می‌کند که «پیراهن» خاصی برایش خریده شده است.

بطور کلی به نظر می‌رسد که در این گویش، مفعول صریح نکره/غیر مشخص امکان جابجایی بسیار کمی را در سطح جملات ساده داشته باشد و بایستی بلافاصله قبل از فعل قرار گیرد، در حالی که مفعول صریح معرفه / مشخص دارای امکان جابجایی بیشتر، در جمله است. در هر دو حالت، جابجایی‌ها با تغییرات در آهنگ و بیان جمله و تغییرات در تعبیر سازه‌های جابجا شده همراه است. با مقایسه جملات (۳-۲) که در آنها مفعول صریح - معرفه یا نکره - بلافاصله قبل از فعل قرار دارند، تنها مفعول معرفه/مشخص می‌تواند بعد از فعل قرار گیرد، نیز با بررسی ترتیب بی نشان سازه‌های اصلی در جملات (۴-۵) می‌توان فرض نمود که ترتیب اصلی کلمات در گویش گیلکی لنگرود، همانند فارسی استاندارد، SOV است، اما در جملات پیچیده‌تر، یکی از دو ترتیب (۵a) و (۴a) ترتیب‌های اساسی زیر بنایی می‌باشند. برای بررسی جامع‌تر ترتیب اساسی کلمات در این گویش، بایستی ترتیب این سازه‌ها، و امکانات جابجایی سازه‌ها را در جملات وابسته، و در درون جملات وابسته به اسم پیچیده<sup>۱</sup> بررسی نمود و تغییرات آهنگ و تعبیر معنایی و نقش کاربردی آنها را مطالعه کرد. برای مثال نگاه کنید به پوسکاس (۲۰۰۰)، اسکة (۱۹۹۷)، کریمی (۲۰۰۰)، کیس (۱۹۹۸).

با توجه به بررسی خلاصه فوق، می‌توان نتیجه گرفت که گویش گیلکی لنگرود گویشی فعل پایانی<sup>۲</sup> یا SOV است. این نظریه‌ای است که بیشتر زبان‌شناسان سنتی و جدید در مورد زبان فارسی استاندارد هم بیان نموده‌اند. با توجه به این نکته اکنون بایستی جفت‌های همبستگی را در این گویش مشخص نماییم تا ببینیم که آیا این جفت‌های همبستگی با ترتیب کلمات اصلی زیر بنایی SOV در این گویش همخوانی و همبستگی دارند یا خیر؟

1- Complex NP

2- Verb Final

## تحلیل نظری

هدف گرین‌برگ (۱۹۶۳) این بود که شواهدی از تعدادی از جهانی‌های آماری، و یا تمایلات آماری جهانی بدون استثناء، و یا تقریباً بدون استثناء ارائه نماید. در حالیکه هدف مطالعات نوین رده‌شناسی، بررسی ترتیب کلمات اصلی آنست تا همبستگی ترتیب جفت‌های سازه‌ها در سطح گروه، بند، و جمله را با یکی از دو ترتیب اصلی فعل و مفعول صریح، یعنی VO یا OV، بررسی و مقایسه نماید (نک کامری ۱۹۹۱ و درایر ۱۹۹۲) از این به بعد، ما از این ترتیب سازه‌ها/کلمات در سطح گروه، بند و جمله (در گویش گیلکی لنگرود) و همبستگی و رابطه آن با ترتیب فعل و مفعول صریح را «همبستگی ترتیب کلمات» می‌نامیم و به ترتیب سازه‌ها/کلمات جفت‌های همبستگی<sup>۱</sup> می‌گوییم. به همین منظور است که معرفی و بحث دربارهٔ چند اصطلاح پرکاربرد در این مقاله می‌پردازیم:

اگر ترتیب یک جفت عناصر x و y نشان‌دهندهٔ نوعی همبستگی و رابطه با ترتیب فعل و مفعول باشد، آنگاه ما به ترتیب این جفت عناصر (x و y) جفت همبستگی می‌گوییم و x را همبستهٔ فعل<sup>۲</sup> و y را همبستهٔ مفعول صریح<sup>۳</sup> در این جفت همبستگی می‌خوانیم. به بیانی واضح‌تر:

«اگر ترتیب یک جفت از عناصر x و y به نوعی باشد که در زبان‌های VO، x بطور قابل ملاحظه‌ای تمایل داشته باشد که، در مقایسه با زبان‌های OV، قبل از y قرار بگیرد، آنگاه (x و y) را جفت همبستگی می‌نامیم و x را همبستهٔ فعل و y را همبستهٔ مفعول صریح در آن جفت، خواهیم نامید.» (درایر ۱۹۹۲، ص ۸۷)

برای مثال، از آنجایی که زبان‌های OV تمایل بیشتری به داشتن حرف اضافهٔ پسین دارند (NPP) و زبان‌های VO تمایل به داشتن حرف اضافهٔ پیشین دارند (PNP)، لذا به این جفت (حرف اضافه و اسم)، جفت همبستگی نام می‌دهیم و حرف اضافه را همبستهٔ فعلی و (گروه) اسمی را همبستهٔ مفعولی صریح می‌خوانیم.

سؤال و یا هدف دیگر در بررسی جفت‌های همبستگی که در مطالعات رده‌شناسی مطرح می‌گردد، توضیح علت وجود و مشخصات ساختاری این گونه جفت‌ها در زبان‌های دنیاست.

1- Correlation Pairs

2- Verb Patternner

3- object Patternner



به زبان دیگر، مشخصه‌ عامی که رابطه بین همبسته‌های فعلی و همبسته‌های مفعولی را تعیین می‌نماید کدام است. یکی از دلایل عام پسند درباره همبستگی‌های ترتیب کلمات آنست که این همبستگی نشانگر تمایل زبان‌ها در قرار دادن هسته‌های دستوری در رابطه‌ای پیوسته و منظم نسبت به وابسته‌های دستوری آن هسته‌هاست که به نظریه هسته - وابسته معروف است.

### فرضیه هسته - وابسته (Head - Dependent Theory - HDT)

« همبسته‌های فعلی هسته<sup>۱</sup> و همبسته‌های مفعولی وابسته<sup>۲</sup> اند. به عبارت دیگر، یک جفت سازه<sup>۳</sup> x و y در مقایسه با زبان‌های OV، به دفعات بیشتری ترتیب xy را در زبان‌های VO، داراست، البته این به شرطی است که x هسته و y وابسته آن باشد. (دراپر ۱۹۹۲، ص ۸۷)

بر اساس این تعریف، (HDT)، زبان‌ها یا هسته ابتدا (VO)، و یا هسته انتهایند (OV). بنابراین یکی از وظایف پژوهشگرانی که در چارچوب این فرضیه کار می‌کنند، آنست که ملاک‌های تشخیص هسته و وابسته را تعیین نموده و ترتیب هسته و وابسته را در جفت‌های همبستگی مشخص کنند. ولی تشخیص اینکه چه سازه‌های دستوری هسته و چه سازه‌های دستوری وابسته آنهایند، و اینکه تمایز بین وابسته با متمم<sup>۳</sup> چیست همواره به راحتی صورت نمی‌گیرد. برای مثال: اگر صفت «سرخ» در عبارت «سیب سرخ» وابسته است. پس فرق آن با کلمه «شهر» در عبارت «نابودی شهر» چیست؟ در عبارت «این سیب سرخ» و «این نابودی شهر» «نقش» «این» کدام است؟ آیا وابسته است یا خیر؟ در حالیکه واژه «سرخ»، صفت برای اسم است، در حالیکه کلمه «شهر» متمم اسمی برای «نابودی» است. این دو صفت و متمم در تحلیل‌های دستوری با هم تفاوت اساسی دارند. همچنین جمله موصولی «سیبی که او خرید» وابسته است. پرسیدنی است که آیا بین جمله موصولی و صفت به عنوان وابسته هسته فرقی وجود دارد؟ واقعیت آنست که مطالعات رده‌شناسی تمایزی بین این دو نوع وابسته قائل شده‌اند. بدین صورت که صفت، همبسته مفعولی محسوب نمی‌شود، ولی جملات موصولی همبسته مفعولی‌اند، اما این دو از لحاظ ساختاری از مقولات وابسته اسم به حساب می‌آیند.

---

1- Head  
2- Dependent  
3- Complement

درایر (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که فرضیه هسته - وابسته (HDT)، و حتی فرضیه تعدیل شده معادل آن، یعنی فرضیه هسته - متمم<sup>۱</sup> نمی‌تواند به درستی و بطور یکسان جفت‌های همبستگی در زبان‌ها را مشخص نماید و رابطه آنها را با دو ترتیب اصلی VO و OV تعیین کند. بنابراین درایر فرضیه دیگری را به نام نظریه جهت انشعاب<sup>۲</sup> (BDT) پیشنهاد می‌کند

درایر (۱۹۹۲) چند نمونه فرضیه BDT را ارائه می‌دهد. ما در اینجا دو نمونه نزدیک به هم را ارائه کرده و داده‌های گویش لنگرودی را بر اساس آنها بررسی می‌کنیم:

#### فرضیه جهت انشعاب BDT - نمونه ۱

«همبسته‌های فعلی، مقولات غیر گروهی (غیر انشعابی، واژگانی) و همبسته‌های مفعولی (انشعابی) اند. به عبارت دیگر، چنانچه x از نوع غیر گروهی/غیرانشعابی و y هم از نوع گروهی/انشعابی باشد، در این صورت یک جفت سازه‌های x و y به دفعات قابل ملاحظه بیشتر دارای ترتیب xy در زبان‌های VO، در مقایسه با زبان‌های OV می‌باشد (درایر ۱۹۹۲، ص ۱۰۹).

#### فرضیه جهت انشعاب BDT - نمونه ۲

«همبسته‌های فعلی هسته و همبسته‌های مفعولی وابسته‌های کاملاً گروهی و تکراری اند یعنی یک جفت سازه‌های x و y به دفعات قابل ملاحظه بیشتری دارای ترتیب xy در زبان‌های VO، در مقایسه با زبان‌های OV، می‌باشند. این به شرطی است که x هسته و y وابسته گروهی x باشد.» (درایر ۱۹۹۲، ص ۱۱۶)

به طور ساده نمونه ۲ BDT می‌نماید که همبسته‌های فعلی غیر گروهی، هسته و غیرانشعابی اند، ولی همبسته‌های مفعولی، گروهی و انشعابی اند. بر این اساس، صفاتی مانند «سرخ» در عبارت «سیب سرخ» همبسته فعلی نیستند، زیرا اگر چه «سرخ» با یک عبارت کاملاً گروهی تکراری ترکیب شده است، یعنی N' (سیب)، ولی «سرخ» هسته عبارت «سیب سرخ» نیست. از طرف دیگر، صفت «سرخ» همبسته مفعولی نیز نیست، زیرا «سرخ» عبارت کاملاً گروهی، تکراری و انشعابی محسوب نمی‌شود. در مقابل،

1- Head - Complement Theory - HCT

2- Branching - Direction Theory - BDT

جملات موصولی مانند «سیبی که او خرید»، همبسته مفعولی کلمه «سیب» است، زیرا جمله موصولی «که او خرید» عبارتی کاملاً گروهی تکراری است. بر این اساس می‌توان توجیه نمود که چرا صفت و اسم جفت همبستگی نمی‌سازد، ولی اسم و جمله موصولی، جفت همبستگی می‌سازند.

اکنون که با برخی از مفاهیم اصلی نظریه رده‌شناسی ترتیب اساسی کلمات به عنوان یک جهانی آماری آشنا شدیم، سعی می‌کنیم که جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود را که با یکی از دو ترتیب OV، VO سازگاری و همبستگی دارند، شناسایی و معرفی نماییم. با این یادآوری که ترتیب اساسی کلمات در این گویش، چنانکه در بخش II بررسی کردیم، به ترتیب SOV است.

#### تجزیه و تحلیل جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود

در این بخش جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود شناسایی و بررسی می‌شوند و همبستگی آنها با یکی از دو ترتیب اصلی کلمات OV، VO مشخص می‌گردد.

#### ۱- جفت همبستگی اسم و اضافه ملکی، و یا مضاف و مضاف‌الیه<sup>۱</sup>

به مثال زیر توجه کنید:

۶a- کتاب علی

۶b- کتاب من

در این دو مثال «کتاب» اسم (N) و «علی» و «من» حالت اضافه ملکی دارند و اصطلاحاً به ترتیب مضاف و مضاف‌الیه‌اند.

بر اساس فرضیه جهت انشعاب BDT نمونه ۱ و نمونه ۲، واژه «کتاب» غیر گروهی، غیرانشعابی و هسته فعلی محسوب می‌شود، در حالیکه «علی» و «من» مقولات گروهی، انشعابی و همبسته مفعولی‌اند، بنابراین ترتیب آنها xy و یا NGen است.

این ترتیب، با ترتیب اساسی کلمات در زبان فارسی استاندارد، یعنی با OV، همبستگی ندارد. گر چه انتظار می‌رفت که ترتیب این جفت GenN باشد که چنین نیست، اما این ترتیب با ترتیب اساسی VO همبسته است. حال به مثال‌های گویش لنگرودی توجه نمایید:

Ya - ?ali      kit â b

علی      کتاب

«کتاب علی»

1- Noun, Genitive

Yb - ?ali	pe:r		
	پدر	علی	«پدر علی»
Yc - mi	kit â b		
	کتاب	مال من	«کتاب من»

در این گویش شاهد ترتیب GenN هستیم که با ترتیب اساسی کلمات OV در این گویش همبسته است. پس نتیجه می‌گیریم که هر دو اسم، بیانگر اضافهٔ ملکی (Gen) و اسم (N) در این گویش، یک جفت همبستگی‌اند که با ترتیب اساسی OV در آن همبستگی دارند.

## ۲- جفت همبستگی صفت و عبارت معیار مقایسه:

منظور از این جفت عبارات زیراند:

۸a - بزرگتر از حسن

۸b - با هوشتر از او

که در آنها صفات «بزرگتر» و «باهوشتر» بر اساس نظریه BDT همبستهٔ فعلی‌اند، چونکه غیر گروهی و غیرانشعابی‌اند، هر چند که ممکن است مشخصات کامل هسته را بر اساس نمونه ۲ BDT نداشته باشند، و عبارات معیار مقایسهٔ «از حسن» و «از او» همبسته مفعولی هستند، چونکه گروهی و انشعابی‌اند. در زبان فارسی می‌توان ترتیب آن دو را عوض نمود.

۹a - از حسن بزرگتر

۹b - از او باهوشتر

به نظر می‌رسد که جفت (۸) از جفت (۹) بی‌نشان‌تر و پرکاربردتر باشد. به مثال‌های

(۱۰) در گویش گیلکی لنگرود توجه نمایید.

۱۰a - hasan	ô	ji	piltar.		
	حسن	از	بزرگ تر		«بزرگتر از حسن»
۱۰b - ?un	ô	ji	b â hushtar		
	او	از	با هوشتر		«بزرگتر از حسن»

ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده ... ۱۶۳

بر خلاف زبان فارسی جابجایی دو سازه این جفت همبستگی ممکن نیست:

۱۰c - \* piltar hasan- $\partial$  ji

البته اگر به جای حرف اضافه پسین «zi» «از» در (۱۰) از حرف اضافه پیشین زبان فارسی «از» در گویش لنگرودی استفاده شود آنوقت همانند زبان فارسی در عبارات (۸) و (۹) هر دو ترتیب امکان دارد. با توجه به (۱۰) می‌توان نتیجه گرفت که جفت همبستگی صفت و عبارت معیار مقایسه، بر خلاف زبان فارسی در (۸)، با ترتیب اساسی کلمات OV در این گویش همبستگی دارد. یعنی عبارت معیار مقایسه، به عنوان همبسته مفعولی، قبل از صفت تفضیلی، به عنوان همبسته فعلی، می‌آید که با ترتیب اساسی OV سازگار است.

### ۳- جفت همبستگی فعل و گروه‌های حرف اضافه درون فعلی:

منظور از این جفت، عبارات فارسی زیراند:

۱۱a - او روی تخت خوابید

۱۱b - او به خانه رفت

در (۱۱) گروه‌های حرف اضافه همبسته مفعولی‌اند، زیرا عبارت گروهی و انشعابی هستند، در حالی که فعل همبسته فعلی است، زیرا غیر گروهی و غیر انشعابی است. ترتیب این دو در زبان فارسی با ترتیب اساسی OV در زبان فارسی سازگار است. در زبان فارسی گروه‌های حرف اضافه می‌توانند بعد از فعل قرار گیرند، هر چند آن ترتیب نشان‌دارتر است. به مثال گویش گیلکی لنگرود توجه کنیم:

۱۲a - miza jor / ru baxuta

«روی میز خوابید»  
میز رو/بالا خوابید

۱۲b - ruxon - $\partial$  taraf busho

«به طرف رودخانه رفته»  
رودخانه بطرف رفته

۱۲c - mi ?amu Varji bushom

«نزد عمومی رفتیم»  
مال من عمو نزدیک رفتیم

در هر سه عبارت (۱۲) می‌توان گروه حرف اضافه‌ای را بعد از فعل نیز بکار برد که ترتیبی نشان‌دار و با تکیه آهنگی بر روی فعل می‌سازد و بیانگر نوعی تقابل معنایی بین فعل جمله و فعل‌های دیگر می‌باشد. بنابراین ما ترتیب جفت‌ها در (۱۲) را به عنوان ترتیب

زیر بنایی و اصلی به حساب می‌آوریم. این ترتیب با ترتیب اساسی OV در این گویش همبستگی دارد.

#### ۴- جفت همبستگی فعل «بودن» و گزاره آن:

منظور از این ساخت ترکیب‌های زیر در زبان فارسی‌اند که در آنها سازه‌های مشخص شده، گزاره فعل «است» هستند. در این جملات «معلم»، «در خانه» و «باهوش» گزاره<sup>۱</sup> اند. این، دو جفت همبستگی تشکیل می‌دهند و می‌توانند با یکی از دو ترتیب اساسی OV و یا VO همبسته باشند.

a۱۳- او معلم است.

b۱۳- او در خانه است.

c ۱۳- او باهوش است.

به مثال گویش گیلکی لنگرود توجه نماییم:

۱۴a - ?un moʔallim - δ / ?isa

او است/هست معلم «او معلم است»

۱۴b - ?un xušâl- δ / ?isa

او هست/است خوشحال «او خوشحال است»

۱۴c - ?un ?utâq-δ me:n ?isa

او هست اتاق در «او در اتاق هست»

در جملات (۱۴) گزاره‌های مشخص شده قبل از فعل «بودن»، «?isa»، قرار دارند. فعل سازه غیرگروهی و غیرانشعابی و هسته است، پس وابسته فعلی می‌باشد، در حالیکه گزاره‌ها گروهی و انشعابی‌اند. ترتیب این جفت‌های همبستگی با ترتیب اساسی OV در گویش گیلکی لنگرود همبسته است.

#### ۵- جفت همبستگی فعل «خواستن» و جمله یا فعل وابسته به آن:

ترتیب «خواستن» با جمله یا فعل پیرو آن، یکی از معیارهای مهم بررسی رده‌شناسی ترتیب اساسی کلمات در زبان‌های دنیاست. این دو، جفت همبستگی تشکیل می‌دهند:

a۱۵- او می‌خواهد ( که ) برود.

۱۵b- من می‌خواهم (که) تو درس بخوانی

جملات پیرو «که برود» و «که تو درس بخوانی» اجباراً بعد از فعل «خواستن» در زبان فارسی قرار می‌گیرند. فعل «خواستن» سازهٔ غیرگروهی، غیرانشعابی و هسته است و جمله پیرو گروهی، انشعابی و همبسته مفعولی است. از این رو در زبان فارسی، این جفت با ترتیب اساسی OV همبستگی ندارد، بلکه با ترتیب VO همبسته است. به مثال‌های گویش گیلکی لنگرود توجه فرمایید:

۱۶a- mu	xânam	<u>bašum</u> .	
من	می‌خواهم	بروم	«من می‌خواهم بروم»
۱۶b- mu	xânam	biyam.	
من	می‌خواهم	بیایم	«من می‌خواهم بیایم»

همانطور که مشاهده می‌شود جملهٔ پیرو اجباراً بعد از فعل «xânam» «خواستن» قرار می‌گیرد و نمی‌تواند قبل از این فعل بیاید. بنابراین ترتیب آن «خواستن + جمله پیرو» است. یعنی با ترتیب OV همبستگی ندارد، پس این جفت همبستگی در گویش لنگرودی، با ترتیب اساسی OV همبسته نیست.

۶- جفت همبستگی فعل و قید حالت:

قیدهای حالت در این گویش، همانند زبان فارسی، هم به صورت یک کلمهٔ ساده یا مرکب، و هم به صورت گروه حرف اضافه وجود دارند. به جملات زیر توجه کنیم:

۱۷a - <u>yavâš</u>	budowsĉ .		
آهسته	دوید		«به آهستگی دوید»
۱۷b- <u>yavâš</u>	<u>yavâš</u> buma .		
آهسته	آهسته	آمد	«آهسته آهسته آمد»

۱۷c - <u>bâ diqqat</u>	dars	buxo:ns-ĉ.	
با دقت	درس	خواند	«با دقت درس خواند»

کاربرد قیدهای مشخص شده پس از فعل در مثال ۱۷، در این گویش جملات نشاندار، مؤکد و در برخی موارد، غیرقابل قبولی می‌سازد. بنابراین ما به ناگزیر، ترتیب سازه‌ها را در مثال ۱۷ را ترتیب زیر بنایی به حساب می‌آوریم.

بر اساس نظریه HDT، قیدهای حالت درون فعلی، وابسته فعل و در نتیجه همبسته مفعولی و فعل همبسته فعلی است و این دو با هم جفت همبستگی می‌سازند. بر اساس یافته درایر (۱۹۹۳، ص ۹۳) قیدهای حالت در زبان‌های OV به طور غالب قبل از فعل قرار می‌گیرند و در زبان‌های VO بعد از فعل، در گویش گیلیکی لنگرود نیز که زبانی با ترتیب اساسی OV است، قیدهای حالت، قبل از فعل قرار می‌گیرد و این جفت با ترتیب اساسی کلمات همبسته است.

اما بر اساس نظریه BDT قیدهای حالت درون فعلی، همبسته مفعولی محسوب نمی‌شوند، زیرا اینگونه قیدها عبارات کاملاً گروهی، انشعابی و قابل تکرار نیستند، ضمن آنکه همبسته فعلی نیز محسوب نمی‌شوند، زیرا این فعل است که بر اساس BDT غیرگروهی، غیرانشعابی و همبسته فعلی است. بر این مبنا به نظر می‌رسد که ترتیب فعل و قیدهای حالت نمی‌توانند همانند ترتیب صفت و اسم، بر اساس BDT جفت همبستگی بسازند.

برای توجیه همبستگی بین جفت قید حالت و فعل، همچنین ترتیب اساسی کلمات در چارچوب HDT و BDT، درایر معتقد است که بایستی به رابطه نزدیک بین قیدهای حالت و گروه‌های حرف اضافه استناد نمود. به عبارت دیگر، ترتیب فعل و قید حالت مؤکداً به ترتیب بین فعل و گروه حرف اضافه‌ای در نظریه BDT بستگی دارد، و به ترتیب اساسی فعل و مفعول بستگی ندارد. به عبارت دیگر، درایر (۱۹۹۲، ص ۱۲۳) نشان می‌دهد که زبان‌های دارای ترتیب V-PP بطور قابل ملاحظه‌ای دارای ترتیب Adv-V هستند و زبان‌های دارای ترتیب V-PP بطور قابل ملاحظه‌ای دارای ترتیب V-Adv اند. در واقع همبستگی معناداری بین ترتیب جفت قید حالت و فعل و ترتیب جفت فعل و گروه حرف اضافه در زبان‌های دنیا مشاهد می‌شود. اگر این ایده را بپذیریم، آنگاه می‌توان گفت که در گویش گیلیکی لنگرودی، از آنجا که حرف اضافه قبل از فعل می‌نشیند (تک بخش ۳)، قید حالت نیز پیش از فعل قرار می‌گیرد. بدین طریق و بطور غیرمستقیم می‌توان نشان داد که در چارچوب نظریه BDT ترتیب فعل و قید حالت، جفت همبستگی می‌سازد و با ترتیب اساسی کلمات در این گویش، یعنی OV، همبسته است.



۷- جفت فعل کمکی نشانگر زمان و نمود (aspect) و فعل اصلی:

چنانکه فعل کمکی نشانگر زمان و نمود را همبسته فعلی و فعل اصلی را همبسته مفعولی به حساب آوریم، آنگاه می‌توان گفت که این دو، یک جفت همبستگی می‌سازند. فعل اصلی / واژگانی به اعتبار اینکه عبارت کاملاً گروهی، قابل تکرار و انشعابی محسوب می‌شود و فعل کمکی زمان - نمود را، به اعتبار اینکه عناصر و یا وندهای صرفی مطابقه و زمان به آن می‌پیوندند، می‌توان هسته و غیرانشعابی به حساب آورد. یعنی فعل کمکی، هسته‌ای است که یک گروه فعلی VP را به عنوان متمم/وابسته خود می‌گیرد. بنابراین ترتیب این دو می‌تواند جفت همبستگی بسازد:

۱۸a - qaza:	buxo: rda	bum.	
غذا	خورده	بودم	«من غذا خورده بودم»
۱۸b - kitâb	bihe	bum.	
کتاب	خریده	بودم	«کتاب خریده بودم»
۱۸c - šâyad	xona	bušo bun.	
شاید	خانه	رفته بود	«شاید به منزل رفته باشد»

مثال‌های (۱۸) نشان می‌دهند که فعل کمکی «bo:n» «بودن» حامل عناصر صرفی مطابقه و زمان است و بعد از فعل اصلی واژگانی قرار می‌گیرد، پس نتیجه می‌گیریم که این جفت همبستگی دارای ترتیب yx، براساس نظریهٔ BDT، می‌باشد که با ترتیب اساسی کلمات OV در این گویش همبسته است.

۸- ترتیب متمم‌ساز (Complementizer) و جمله (S)

اگر سازهٔ متمم‌سازی همچون «که» فارسی و that انگلیسی را هسته، غیرگروهی و لذا همبسته فعلی محسوب نماییم و جملهٔ (S) را عبارت گروهی، انشعابی به حساب آوریم، آنگاه جمله همبسته مفعولی و متمم‌ساز همبسته فعلی خواهد بود. در این گویش، ترتیب این دو، با ترتیب اساسی واژگان گیلکی لنگرود یعنی OV، مطابقت و همبستگی ندارد. زیرا این ترتیب در این گویش به صورت XY است. یعنی جملهٔ وابسته، بعد از متمم‌ساز می‌آید:

۱۹a – mu do: nam [kθ hasan mariz – θ ]

من است مریض که می‌دانم حسن

«من می‌دانم (که) حسن مریض است».

۱۹b – bidθm [kθ hasan bu<sup>s</sup>o

دیدم که حسن دیدم «من دیدم که حسن رفت»

۹. جفت همبستگی وابسته‌ساز قیدی (Adverbial Subordinator) و جمله وابسته/پیرو:

وابسته سازهای قیدی همانند «کی»، «چرا»، «چه وقت» و غیره که بر سر جملات وابسته قرار می‌گیرند، همانند متمم‌ساز «که» فارسی هسته، غیر گروهی و همبسته فعلی محسوب می‌شود:

۲۰ – nudo: nam čara / čuto ?un zud bušo

رفت زود او چطور / چرا نمی‌دانم

«نمی‌دانم چرا / چطور او زود رفت».

وابسته‌سازهای قیدی غیر گروهی، غیرانشعابی و هسته‌اند و قابل گسترش به عبارات گروهی قابل تکرار نیستند، ولی جمله‌های پیرو آن‌ها عبارت‌های گروهی، قابل تکرار، انشعاب پذیرند و بنابراین همبسته مفعولی محسوب می‌شوند. ترتیب این دو در گویش گیلکی لنگرود بطور آشکاری XY است، (۲۰)، و با ترتیب اساسی OV در این گویش همبستگی ندارد و از این رو اینان بیشتر همبسته VO محسوب می‌شوند تا همبسته OV.

#### ۱۰- جفت فاعل و فعل

بنا به ادعای درایر (۱۹۹۲، ص ۱۰۵) فاعل، همبسته مفعولی و فعل، همبسته فعلی است که جفت همبستگی می‌سازند، هر چند فاعل را نمی‌توان هسته دانست. این نظریه در صورتی با واقعیت سازگار است که فعل یا گروه فعلی را هسته جمله و یا عبارت گروهی غیرقابل انشعاب بدانیم. با این حال درایر نشان می‌دهد نسبت زبان‌های دارای ترتیب فاعل + فعل، یعنی SV، در زبان‌های OV بیشتر است. در گویش لنگرودی، همانند زبان فارسی، فاعل مجازی مانند it, there وجود ندارد. به جملات زیر توجه کنیم:

۲۱a – yθ mardθ qad boland buma: darun.

درون آمد بلند قد مرد یک

«یک مرد قد بلند آمد تو»

ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده ... ۱۶۹

?isa      pošt      dara      garibō      yō - ۲۱  
است      پشت      در      غریبه      یک

«یک غریبه پشت در است.»

در این جملات، و جملات دیگر این گویش، فاعل ترجیحاً قبل از فعل قرار می‌گیرد. اگر این ادعا درست باشد که فاعل همبسته مفعولی است، آنگاه ترتیب فاعل و فعل در جملات ساده، نشان‌دهنده همبستگی بین ترتیب این جفت و ترتیب اساسی OV در گویش گیلکی لنگرود است. با این حال احتساب ترتیب فاعل و فعل به عنوان یک جفت همبستگی، همواره نکته‌ای بحث‌انگیز بوده است (درایر ۱۹۹۲، ص ۱۲۵).

#### ۱۱- جفت همبستگی اسم مرجع و جمله موصولی (Rel)

ترتیب اسم مرجع به عنوان هسته و همبسته فعلی و جمله موصولی به عنوان همبسته مفعولی یکی از پر بسامدترین و معنادارترین جفت‌های همبستگی در زبان هاست. جمله موصولی در چارچوب نظریه BDT عبارت کاملاً گروهی قابل تکرار، و انشعابی محسوب می‌شود و لذا همبسته مفعولی است:

۲۲a - kitâbo:ni [kō ?amu buxo: ndim ]

«کتاب‌هایی که ما خواندیم»  
خواندیم      ما      که      کتاب‌هایی

۲۲b - filmo:ni [kō ?amu bideym ]

«فیلم‌هایی که ما دیدیم»  
دیدیم      ما      که      فیلم‌هایی

واضح است که ترتیب این جفت در این گویش NRel یعنی XY است و با ترتیب اساسی کلمات OV همبستگی ندارد.

#### ۱۲- جفت همبستگی حرف اضافه (Adposition) و گروه اسمی

حرف اضافه (پسین یا پیشین) وابسته فعلی و گروه اسمی وابسته مفعولی است. این جفت یکی از پر بسامدترین و معنادارترین جفت‌های همبستگی را در زبان‌های دنیا تشکیل می‌دهند. حرف اضافه در این ترکیبات هسته غیرانشعابی است و گروه اسمی عبارت گروهی قابل تکرار انشعابی. بنابراین ترتیب این دو بطور معناداری با یکی از دو ترتیب VO,OV همبسته است. در تمامی عبارات و جملات لنگرودی که به دور از تأثیر و نفوذ زبان فارسی باشد، همیشه حرف اضافه پس از اسم قرار می‌گیرد، یعنی دارای حرف اضافه

پسین است. اما در جملاتی که حرف اضافه پیش از اسم می‌نشیند، آن حرف اضافه قرصی از زبان فارسی و ترتیب آن تحت نفوذ زبان فارسی می‌باشد.

۲۳a - miz - ∂	ru	
میز	روی	«روی میز»
۲۳b - ?utâq - ∂	me:n	
اتاق	میان/درون	«درون اتاق»
۲۳c - xon - ∂	jo:r	
خانه	بالا	«بالای/روی خانه»

در عبارات (۲۳) حرف اضافه بعد از اسم آمده است. لذا دارای ترتیب N,P و یا YX است و با ترتیب اساسی کلمات OV در این گویش سازگار است. درایر نشان داده است که زبان‌های OV بطور بسیار معنادار و قابل ملاحظه‌ای دارای حرف اضافهٔ پسین، و زبان‌های VO نیز بطور معنادار و قابل ملاحظه‌ای تمایل به داشتن حرف اضافه پیشین دارند. ترتیب این جفت، بر خلاف شواهد زبان فارسی استاندارد، تأییدی بر این ادعاست.

#### بررسی برخی جفت‌ها و ترتیب‌های بحث‌برانگیز

چنین به نظر می‌رسد که ترتیب برخی سازه‌ها را، که در مطالعات پیشین رده‌شناسی، جفت همبستگی به حساب می‌آمدند و ادعا می‌شد که دارای رابطهٔ معنادار با دو ترتیب اساسی VO یا OV می‌باشند، نمی‌توان به راحتی در چارچوب نظریهٔ BDT،HDT قرار داده و بررسی نمود. در این بخش برخی از این جفت‌سازه‌ها را که در گویش گیلکی لنگرود وجود دارد و به نظر می‌رسند که همانند زبان‌های دیگر مسئله سازند، بررسی می‌نماییم. برخی از این جفت‌ها عبارتند از (۱۳) جفت حرف تعریف و اسم، (۱۴) جفت صفت و اسم، (۱۵) جفت صفت اشاره و اسم، (۱۶) جفت عدد و اسم، (۱۷) جفت تشدیدگر صفت<sup>۱</sup> و صفت، (۱۸) جفت وند و ماده/ریشه فعل. برخی از این جفت‌ها رابطهٔ نزدیکی با هم دارند و نشان دادن این نکته که یک جفت همبسته‌اند و با ترتیب اساسی کلمات VO یا OV جفت همبستگی می‌سازند می‌تواند در تشخیص جفت و ترتیب سازه‌های دیگر مؤثر باشند. برای مثال جفت‌های (۱۳) و (۱۴) و (۱۵) و (۱۶) رابطهٔ نزدیکی با هم دارند. ما در ادامهٔ مقاله، این جفت‌ها را به اختصار بررسی می‌نماییم.

درایر (۱۹۹۲، صص ۱۱۰-۱۱۱) سه نوع صفت را در زبان‌های دنیا شناسایی می‌کند. اوصفاتی را که به عنوان توصیف‌گر<sup>۱</sup> در عباراتی مانند «سیب سرخ» [و در گویش لنگرودی  $sorx - \partial sib$  و یا  $zard - \partial malj\partial$  «گنجشک زرد»] کاربری دارند، کلمات غیر گروهی، غیر قابل تکرار و غیر انشعابی می‌انگارد از این رو نمی‌توان آنها را همبسته مفعولی به حساب آورد. از سوی دیگر این صفات همبسته فعلی هم نیستند. درایر (۱۹۹۲، ص ۹۶) نشان می‌دهد که جفت صفت و اسم در چارچوب HDT جفت همبستگی نمی‌سازند و ترتیب آن دو معنادار نیست. زبان فارسی و گویش گیلکی لنگرود از زبان‌هایی هستند که در آنها صفات غیر گروهی و غیر انشعابی‌اند و لذا ترتیب آنها نسبت به اسم/موصوف نمی‌تواند در چارچوب نظریه‌های HDT، BDT معنادار باشد. تنها در زبان‌هایی که صفات بتوانند عبارات گروهی، انشعابی قابل تکرار باشند، ترتیب آن با اسم می‌تواند جفت همبستگی بسازد. در زبان انگلیسی هر سه نوع صفت وجود دارد و فقط صفات نوع سوم که عبارات گروهی و انشعابی‌اند. همانند eager در (a man eager to help others) با اسم a man جفت همبستگی می‌سازد. در این مثال صفت، همانند جمله موصولی، در زبان انگلیسی همبسته مفعولی است و رابطه آن با اسم، ترتیب XY است که با ترتیب اساسی VO در زبان انگلیسی همخوان است.

کاربرد صفات نوع سوم در گویش گیلکی لنگرود و نیز زبان فارسی بسیار نادر است. بنابراین چنین نتیجه می‌گیریم که در گویش لنگرودی صفات توصیف‌گر قبل از اسم قرار می‌گیرند در حالی که در زبان فارسی بعد از آن، همراه با اسم، جفت همبستگی نمی‌سازند. ترتیب عدد، و یا صفت عددی، و اسم نیز به نظر می‌رسد که در این گویش، جفت همبستگی ایجاد نکند. زیرا عدد نیز رفتار و ساختاری مشابه صفت های توصیف‌گر در این گویش دارد. عدد قبل از اسم قرار می‌گیرد و کلمه‌ای غیر گروهی و غیر انشعابی است:

malja	zard - $\partial$	so:tt $\partial$	so:tt $\partial$ - ?i	۲۴a-
گنجشک	زرد	سه تا	این	«این سه گنجشک زرد»
kitâb		do: tt $\partial$	do: tt $\partial$ - ?u	۲۴b-
کتاب	دو تا	آن	آن	«آن دو تا کتاب»

در هر دو مورد صفت اشاره «?i»، «?u» قبل از عدد قرار می‌گیرد. واضح است که عدد، عبارتی غیر گروهی و غیر انشعابی است، در عین آنکه نمی‌تواند نسبت به اسم بعدی خود هسته نیز محسوب شود. از این رو این دو در چارچوب نظریه‌های HDT و BDT نمی‌گنجد و جفت همبستگی نمی‌سازند.

قیده/صفات تشدیدگر همانند «خیلی»، «بسیار» نیز در زبان‌های دنیا جفت همبستگی نمی‌سازند (درایر ۱۹۹۲، ص ۹۷).

۲۵-a havâ xeyli sard-ð «هوا خیلی سرد است»

۲۵-b ma xeyli garm - ð «من خیلی گرمم است»

در جملات (۲۵) کلمه تشدیدگر غیر گروهی، غیر انشعابی است و ترتیب آن با صفت و یا قید بعدی جفت همبستگی ایجاد نمی‌کند و معنادار نیست.

گوش گیلکی لنگرود، همانند زبان فارسی، فاقد حرف تعریف معرفه و نکره است و همانند فارسی دارای پسوند نکره ساز i- می‌باشد. از سوی دیگر در این گوش صفات اشاره ?i «این» و «?u» وجود دارد که قبل از اسم و صفت و اعداد ماقبل اسم به کار می‌رود (۲۴).

اگر بر اساس نظریه جدید ایکس - تیره (ابنی ۱۹۸۷) حرف تعریف را هسته گروه اسمی و وابسته فعلی و اسم یا (N' / N) را همبسته مفعولی بدانیم، آن گاه هم نظریه HDT و هم نظریه BDT رابطه معناداری را بین ترتیب این جفت همبستگی و ترتیب اساسی کلمات پیش‌بینی می‌کنند. در واقع یافته‌های درایر نشان می‌دهد که ترتیب جفت همبستگی [حرف تعریف + اسم] یعنی XY به تعداد قابل ملاحظه بیشتری در زبان‌های VO یافت می‌شود و جفت YX نیز به تعداد قابل ملاحظه بیشتری در زبان‌های OV یافت می‌گردد. (درایر ۱۹۹۲، ص ۱۰۴) در زبان انگلیسی، همانند زبان فرانسه که دارای حروف تعریف the, an, a می‌باشد، بر خلاف زبان فارسی و گوش لنگرودی، این حروف تعریف با اسم جفت همبستگی می‌سازند و رابطه معناداری با ترتیب اساسی VO در زبان انگلیسی دارند. در گوش گیلکی لنگرود حرف تعریف وجود ندارد.

حال در این گوش، اگر به صفات اشاره مانند ?i «این» و «?u» برگردیم، یافته‌های حروف تعریف درباره آن نیز صادق خواهد بود. یعنی اگر صفات اشاره فوق را توصیف‌گر

اسم و وابسته اسم و در نتیجه همبسته مفعولی، و اسم را هسته بدانیم، آن گاه این دو، نه تنها در زبان فارسی و گویش گیلکی لنگرود، بلکه در هیچ یک از زبان‌های دنیا جفت همبستگی نمی‌سازند. (درابر ۱۹۹۲، ص ۹۷) یعنی صفات اشاره نیز همانند صفات دیگر قبل از اسم قرار می‌گیرند و جفت همبستگی نمی‌سازند. ولی اگر صفات اشاره را نوعی حرف تعریف به حساب آوریم، آنگاه صفات اشاره همبسته فعلی و اسم همبسته مفعولی‌اند و بر اساس هر دو نظریه HDT و BDT جفت همبستگی خواهند ساخت که با ترتیب اساسی کلمات همبسته‌اند.

به نظر نگارنده، صفات اشاره *i?* و *u?* در گویش گیلکی لنگرود، همانند زبان فارسی، از طبقه حروف تعریف (Det) هستند که خود یک گروه نقشی به نام گروه نقشی حرف تعریف (DetP) فرافکن می‌کنند و با NP یا گروه اسمی ترکیب شده یک عبارت گروهی کامل به نام DP می‌سازند (Abney 1987). یک دلیل این نکته آن است که عدد، صفت توصیف‌گر و تشدیدگرها هر چند غیر انشعابی و غیر گروهی‌اند، ولی قابل تکرار هستند، در حالی‌که *i?* و *u?* در این گویش قابل تکرار نیست و در ضمن غیر گروهی و غیر انشعابی‌اند که همان ملاک‌های همبسته فعلی در نظریه BDT می‌باشند. بنابراین نتیجه می‌گیریم که صفات اشاره *i?* و *u?* در عبارتی مانند «این بچه»، *u lâku?* «آن دختر جوان» با اسم بعد از خود، جفت همبستگی می‌سازند. حال ترتیب این جفت همبستگی *xy* است که با ترتیب اساسی کلمات OV در این گویش همبسته نیست.

رابطه بین وندهای زمان، نمود، مطابقت و ماده فعل

گرین برگ (۱۹۶۳) در بررسی داده‌هایش، که مشتمل بر ۳۰ زبان بود، نشان داد که جفت وند- ماده فعل جفت همبستگی می‌سازند بطوری که وند وابسته فعلی و ماده فعل همبسته مفعولی است. این توصیف بر اساس نظریه HDT قابل توجیه است ولی چون هم وند و هم ماده فعل سازه‌های غیر گروهی، غیر انشعابی هستند نظریه BDT نمی‌تواند آنها را جفت همبستگی به حساب آورد. حال اگر بر اساس نظریه HDT وند را هسته و ماده فعل را همبسته مفعولی و وابسته بدانیم، آنگاه انتظار داریم که زبان‌های OV بطور قابل ملاحظه و معناداری دارای پسوند<sup>۱</sup> باشند، و زبان‌های VO دارای پیشوند باشند. طبق

داده‌های درایر این امر در مورد زبان‌های OV صادق است، یعنی زبان‌های OV بطور معناداری دارای پسوند وجه/ زمان هستند و زبان‌های VO هم دارای پسوند و هم دارای پیشونداند و تعداد زبان‌های پسونددار کمی بیشتر است. در حالی که انتظار می‌رود زبان‌های VO بیشتر پیشوندی باشند. با این حال درایر این تفاوت اندک را معنادار نمی‌داند و ترتیب

وند وجه/ زمان و ماده فعل را جفت همبستگی می‌داند. اگر این نظریه را بپذیریم، آنگاه می‌بینیم که در گویش لنگرود وندهای مطابقه، زمان و وجه بطور کامل بعد از فعل قرار می‌گیرند، یعنی تنها به صورت پسوند ظاهر می‌شوند، بنابراین ترتیب آن با فعل  $yx$  است. ترتیب این جفت با ترتیب اساسی OV در این گویش همبسته است. هر چند که این مسئله فقط در چارچوب HDT صدق می‌کند و نه در چارچوب نظریه BDT.

### نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی و ارائه شواهد درباره ترتیب اساسی کلمات، جفت‌های همبستگی و نیز ارائه تحلیل درباره ساختار و علت وجود این جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود بوده است. در این مقاله چهارده مورد جفت همبستگی در گویش گیلکی شناسایی و بر اساس دو نظریه HDT و BDT مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین بر اساس شواهد و تحلیل ارائه شده در بخش II نشان دادیم که ترتیب زیربنایی و اساسی کلمات در این گویش SOV است. آنگاه ترتیب سازه‌ها در جفت‌های همبستگی را با ترتیب OV مقایسه نموده و همبستگی و یا عدم همبستگی ترتیب سازه‌ها در جفت‌های همبستگی را با ترتیب OV نشان دادیم. در نه مورد ترتیب سازه‌ها در جفت‌های همبستگی شناسایی شده با ترتیب اساسی OV همبستگی داشتند و در پنج مورد ترتیب سازه‌ها در جفت‌های همبستگی شناسایی شده با ترتیب اساسی OV در این گویش همبستگی نداشتند. همچنین به جز یک مورد مشاهده کردیم که نظریه BDT بهتر و کارآمدتر از نظریه HDT قادر به توجیه همبستگی‌ها در جفت‌های همبستگی است. چنانکه درایر (۱۹۹۲، ص ۱۳۳) ادعا می‌کند علت وجود همبستگی در جفت‌های همبستگی، تمایل زبان‌ها به انشعاب پیوسته به سمت چپ و یا انشعاب پیوسته به سمت راست می‌باشد. ما در گویش گیلکی نشان دادیم که در ۹ مورد زبان تمایل به انشعاب به سمت چپ و در ۵ مورد تمایل به انشعاب به سوی



ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده ... ۱۷۵

راست دارد. درایر معتقد است که پردازش گروهها، بندها و جملات دارای انشعاب پیوسته به سوی چپ و یا به سوی راست راحت تر از پردازش آنها هم به سوی چپ و هم به سوی راست می باشد.

### منابع

- Abney, Steven P. *The English Noun Phrase in its Sentential Aspect*. Ph. D. dissertation, MIT, Cambridge, Mass, 1987.
- Aske, Jon 1997 *Basque Word Order*. Ph. D. dissertation, University of California, Berkeley, 1989.
- Comrie, Bernard *Language universals and Linguistic Typology*. 2<sup>nd</sup> ed. Basil Blackwell Ltd, 1989.
- Greenberg, Joseph H. *Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements*. In "Universals of Language", ed. J.H. Greenberg., Cambridge, MIT Press, 1963.
- Lehmann, Winfred *The Great underlying Ground – Plans*. In syntactic Typology (ed.) by Winfred P. Lehmann., 3-5. Austin: University of Texas Press, 1978.
- Karimi, S *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*. Ms. Department of Linguistics, University of Airzona, 2000.
- Kiss, Katalin E. *Identificational Focus versus Information Focus*. In *Language*, 1998 74, No. 2.
- Ling, Margarete , *Scrambling in German: Reconciling the Analyses*. In *Cahiers Linguistiques D'ottawa*, 1994, Vol 22.
- Dryer, Mathew S. *The Greenbergian Word Wrder Correlations*. In *Language* 68, 1992.
- Bybee, Joan L., Revere Perkins, & William Pagliuca *The Evaluation of Grammar: Tense, Aspect, and Modality in the Languages of the world*. University of Chicago Press, 1994.
- Puskas, Genoveva *Word Order in Hungarian: the Syntax of A' Position*. *Linguistik Aktuell*, 2000, Vol. 33. John Benjamin.
- Vennemann, Thew *Topics, Subjects, and Word Order: from SXV to SVX, 1974.*  
*via TVX*. In Anderson, John M. & Jones, Charles (eds.) *Historical Linguistics*. North – Holland Linguistic series.

